



مقاومت ایران در برابر تهدیدات، خارج از درک مقامات آمریکاست

# رؤیای تسلیم و کلافگی مرمزین

## سرمقاله

اخیراً یک رسانه صهیونیستی در مطلبی درباره تهدیدات ترامپ علیه ایران نوشته بود: «بزرگترین خطا و اشتباه واشنگتن عدم درک ساختار و ماهیت قدرت در ایران است و همین مسئله مانع اصلی در روند مذاکرات است.» این گزاره به شکلی دیگر بار دیگر توسط استیو ویتکاف، فرستاده ویژه دونالد ترامپ، بیان شد. ویتکاف در مصاحبه‌ای با فاکس نیوز از کلافگی و تعجب ترامپ درباره عدم تسلیم شدن ایران در برابر تهدیدها و نمایش قدرت آمریکا گفت. این اظهار تعجب و سردرگمی ترامپ خود گویای این است که رئیس جمهور آمریکا تصور می‌کند ایران نیز مانند برخی دیگر از کشورهای ضعیف و وابسته نظام بین الملل است که با هر تهدید یا وعده‌ای عقب‌نشینی کرده و منافع خود را رها کند. دولتمردان آمریکا مبنای کنشگری خود را این فرض قرار داده‌اند که هر کشوری در برابر ترکیب تهدید نظامی و فشار اقتصادی دیر یا زود عقب می‌نشیند. اعزام ناوهای هواپیمابر، جنگنده‌های پیشرفته و تشدید تحریم‌ها قرار بود ایران را در وضعیتی متزلزل قرار دهد و تهران را به پذیرش خواسته‌های یک جانبه وادار کند. رسانه‌های غربی نیز پیوسته از «آشفتنگی» یا «بن بست» ایران سخن می‌گویند و به دنبال آن هستند که این تصویر را شکل دهند که تهران زیر فشار، راهی جز عقب‌نشینی ندارد و اصطلاح «سرگیجه راهبردی» را برای ایران به کار می‌برند. اما اکنون آمریکایی‌ها اعتراف می‌کنند که نتیجه‌ای حاصل نشده و آنها هستند که دچار سردرگمی‌اند. وقتی رئیس جمهور آمریکا با این حجم از ابزار قدرت از خود می‌پرسد چرا طرف مقابل کوتاه نیامده، معنایش آن است که معادله‌ای که در ذهن داشت فروریخته است. مشکل اصلی واشنگتن در همین نگاه ساده‌انگارانه نهفته است. ترامپ با ذهنیت معامله‌گرانه تصور می‌کند همه چیز قابل خریدن است. در این چهارچوب، فشار باید به تسلیم منجر شود. اما ایران طی چهار دهه گذشته نشان داده است که تصمیم‌های راهبردی خود را بر پایه ترس یا تنظیم اتخاذ نمی‌کند. ساختار سیاسی و امنیتی ایران، هویت خود را با مفهوم مقاومت گره زده و تسلیم در برابر فشار خارجی، نشانه ضعف است. همین منطق است که سیاست فشار را از درون تهی می‌کند. در همین زمینه، نشریه آتلانتیک نیز به تازگی در تحلیلی تصریح کرده بود: «ترامپ نمی‌تواند درک کند چرا فشار و تهدید، رهبر ایران را وادار به عقب‌نشینی نمی‌کند. در نگاه ترامپ، هر فردی نقطه شکستی دارد و هر ملتی را می‌توان با ترکیبی از تهدید و امتیازدهی پای میز آورد. اما این تحلیل در برابر واقعیتی قرار گرفته که با آن سازگار نیست.» انباشت تجهیزات نظامی آمریکا در منطقه با هدف تسلیم کردن ایران و ارباب صورت گرفته اما نتیجه طبق پیش بینی کاخ سفید پیش نرفته است. واقعیت این است که «سرگیجه راهبردی» در واشنگتن شکل گرفته است؛ جایی که سیاست‌گذاران هنوز نمی‌خواهند بپذیرند قدرت ایران صرفاً در توان نظامی خلاصه نمی‌شود، بلکه در پیوند اراده سیاسی، انسجام داخلی و تجربه طولانی مقابله با فشار خارجی ریشه دارد. ایران در سال‌های گذشته شدیدترین تحریم‌ها و تهدیدها را پشت سر گذاشته و نه تضعیف شده و نه بر سر اصول خود معامله کرده است. طراحی و اجرای کودتای پیچیده دی ماه نیز نتوانست آمریکا را به مقاصد شوم خود در ایران برساند. همین اقتدار و ثبات رفتاری اکنون به معمایی برای کاخ سفید تبدیل شده است. ترامپ که گمان می‌کرد با افزایش فشار می‌تواند نتیجه مطلوب را در زمانی کوتاه به دست آورد، حالا با واقعیتی مواجه شده که در چهارچوب ذهنی او نمی‌گنجد. «کنجکاوی» او در حقیقت نشانه حیرت از ناکارآمدی ابزارهایی است که تصور می‌کرد بی‌رقیب هستند. مسئله اصلی، خطای محاسباتی آمریکا است. تا زمانی که واشنگتن نپذیرد ایران را نمی‌توان با تهدید و ارباب وادار به تسلیم کرد، این سرگیجه راهبردی ادامه خواهد یافت و منجر به تصمیمات و اقدامات غلط خواهد شد. ایران مسیر خود را بر اساس منافع و سیاست‌های مستقل خود دنبال می‌کند و تجربه نشان داده است که فشار به جای تغییر این مسیر، آن را تثبیت کرده است. اکنون این کاخ سفید است که باید میان تداوم فشار بی‌نتیجه یا بازنگری در نگاه خود یکی را انتخاب کند. ■



استیو ویتکاف، نماینده ویژه ترامپ در منطقه غرب آسیا

الله اکبر! این صدای ملت قهرمان ایران است. ای مجاهدان اسلام، ای آنان که خنجر تیز به دست گرفته اید و قلب دشمنان ایران، آمریکا و صهیونیسم را نشانه گرفته اید، بدانید که بزرگ‌ترین قدرت

عالم، یعنی خدای بزرگ و دعای مردم پشتیبان شماست. این کودک کشان جنایتکار و این بزدلان ترسورا شکست دهید. وَمَا الضُّمُرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْخَكِيمِ.

پیام صوتی  
یک هموطن ایرانی  
خطاب به نیروهای  
مسلح ایران

رادیونگار  
**پروژه آشوب**  
علیرضا زادبر  
پژوهشگر تاریخ معاصر

مادر بازی ۱۸ تا ۲۰ دی، با یک «خشونت سازمان یافته گروهکی» طرف هستیم؛ خشونتی که در میانه‌ی آن، مجموعه‌ای از بازیگران کنار هم قرار گرفته‌اند: از منافقین تا جندالله و جیش‌العدل، از جریان‌های حزب دموکرات و کومله تا سلطنت‌طلب‌ها و ری‌استارتی‌ها، و حتی شبکه‌هایی مانند حلقه‌های عرفانی و بهایی‌ها. هرکدام از این طیف‌ها، بخشی از پازل را پر می‌کنند؛ یکی شبکه‌ی رسانه‌ای دارد، دیگری مسیر مالی را پوشش می‌دهد، آن یکی نیروی میدانی و هدایت‌خوبانی فراهم می‌کند و برخی نیز به سمت شبکه‌سازی لجستیکی و تسلیحاتی می‌روند. از شب ۱۹ دی، ماجرا وارد مرحله‌ای می‌شود که می‌تواند نامش را «پروژه» گذاشت؛ پروژه‌ای که نه از دل خودآگاهی جامعه بیرون آمده و نه امتداد طبیعی اعتراض‌های مردمی است. این‌جا دیگر با یک شورش خودجوش طرف نیستیم، بلکه با شورشی روبه‌رو هستیم که از پیش طراحی شده؛ سناریویی که در یک اتاق فکر چیده می‌شود، زمان‌بندی دارد، ابزار دارد و هدفش استفاده از موج اجتماعی برای پیشبرد یک مسیر از قبل تعیین شده است.

قاب  
**رونق سنت جزء خوانی سراسری قرآن در ماه رمضان**  
مراسم ترتیل خوانی یک جزء از قرآن کریم همزمان با ماه مبارک رمضان، هر روز در رواق امام خمینی (ره) حرم مطهر رضوی در حال برگزاری است.

عکس: آستان قدس رضوی

فرزند ایران  
**یار دبستانی من**  
روبه پنجره‌ی کلاس، نشسته بود. شیشه‌های پنجره بر اثر موج انفجار، شکسته بود مثل دل کوچکش. خودش را دوست صمیمی مهیا معرفی کرد و گفت: «مهیا همسایه ما و هم‌کلاسی‌ام بود. بچه‌ی ساکت و خیلی آرامی بود. هر چیزی از او می‌خواستیم، دریغ نمی‌کرد. جزو بچه‌های باهوش کلاس محسوب می‌شد و نمراتش همیشه خیلی خوب بود. به داشتن دوستی چون مهیا افتخار می‌کنم، چون واقعاً در کنارش احساس راحتی و آرامش می‌کردم.» مهیا ده ساله در دبستان شهید سعید رحمانی در شهرک چمران تهران، درس می‌خواند و کلاس چهارم را تمام کرده بود. آن شب در حمله موشکی رژیم صهیونیستی به بلوک ۱۲، حدود ۶۰ نفر به شهادت رسیدند که ۲۰ نفرشان کودک بودند و مهیا یکی از آن‌ها بود. معلمش درباره‌ی او گفت: «مهیا همیشه تکالیفش را منظم، تمیز و دقیق انجام می‌داد. از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی مهیا، ادب مثال‌زدنی‌اش بود.» در آن حمله که در ساعات اولیه بیست و چهارم خرداد رخ داد، ساختمان ۱۴ طبقه‌ای در شهرک شهید چمران تهران، به‌طور کامل فرو ریخت و شدت آوار و آتش سوزی به حدی بود که شناسایی برخی از پیکرها فقط از طریق دی‌ان‌ای امکان‌پذیر شد. از جمله شهیده مهیا نیکزاد. ✍ محیا عبدلی